

مدیرکل بهداشت و درمان هلال احمر:

بیمارستان اضطرابی هلال احمر ۱۲ ساعته راه اندازی می شود

مدیرکل بهداشت و درمان جمعیت هلال احمر گفت: «اگر بیمارستان RDH جمعیت هلال احمر در طی ۱۲ ساعت اولیه در سریل ذهاب راه اندازی نمی شد بدون تردید آمار جانباختگان چندین برابر می شد و امروز نیز این توانمندی توسعه یافته است.» افشین علیخانی، مدیرکل بهداشت و درمان جمعیت هلال احمر گفت: «اداره کل بهداشت و درمان جمعیت هلال احمر، دو وظیفه محوری شامل ارائه خدمات بهداشت و درمان در شرایط اضطرابی و کمک به حوزه سلامت کشور از طریق راه اندازی مراکز بهداشتی و مراکز درمانی دارد. در این عرصه پس از وقوع زلزله بم نیازهایی احساس که سبب شد تغییرات در آن عرصه به صورت جدی تر در دستور کار قرار گیرد.»

چرخه نجات شامل ۴ اقدام محوری است

او در حوزه بهداشت و درمان اضطرابی افزود: «در زلزله بم ما با آن گونه کاستی های مختلفی در ارائه خدمات امدادی و درمانی مواجه شدیم که منشا تحولات جدی بر اساس درس آموخته رخداد مذکور شد. این در حالیست که اگر چه کشور تجربیات ارزنده ای در عرصه جنگ تحمیلی به دست آورده بود اما حجم متأثرین و وسعت خرابی ها و ... وضعیتی را فراهم کرده بود که حضور تیم ها و کمک های بشردوستانه بین المللی امری اجتناب ناپذیر شد. ذکر این نکته نیز حایز اهمیت است که سرعت در انتقال و استقرار در منطقه و همچنین اثربخشی آنها از مهم ترین نتایج بررسی ها بود.» این مقام مسئول در جمعیت هلال احمر خاطر نشان کرد: «چرخه نجات شامل ۴ اقدام محوری است. نخست جست و جود در مرحله بعد رها سازی، ارائه خدمات در صحنه و انتقال به مرکز درمانی است و اگر چنانچه زیر ساخت های درمانی آسیب دیده یا حجم مجروحین و متأثرین بیش از ظرفیت آنها باشد این روند با چالش های بسیار جدی مواجه خواهد شد. این مسأله ضرورت و علت ایجاد واحدهای بهداشت و درمان اضطرابی در عرصه جهانی است. در همین راستا اداره کل بهداشت و درمان اضطرابی به ساختار تشکیلاتی معاونت درمان و توانبخشی جمعیت هلال احمر در سال ۱۳۸۵ با هدف کلی کمک به تأمین خدمات بهداشتی و درمانی جوامع متأثر از سوانح داخل و خارج کشور اضافه شد.» علیخانی ادامه داد: «فدراسیون بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۱۹۹۴ واحد پاسخ اضطرابی (ERU) را جهت ساماندهی و ارائه خدمات در کوتاه ترین زمان ممکن به کشورهای متأثر از سوانح در جمعیت های ملی توانمند عملیاتی کرد. این واحدها دارای گونه های مختلفی از جمله آب و بهداشت، ارتباطات، امداد، سلامت و ... بوده و دارای ویژگی هایی از جمله تیم های آموزش دیده تخصصی و جعبه بندی استاندارد تجهیزات و ملزومات مربوطه بوده تا امکان بازگویی و انتقال به مناطق آسیب دیده در کوتاه ترین زمان میسر شود.» مدیرکل بهداشت و درمان جمعیت هلال احمر اظهار کرد: «جمعیت نیز با همین علم و الگوی بین المللی نسبت به ایجاد واحدهای بهداشت و درمان اضطرابی اقدام کرد که به صورت کلی دارای سه سامانه عملیاتی شامل کلینیک های اضطرابی (جهت ارائه خدمات مراجعین سریایی پزشکی، پرستاری، مامایی، تغذیه، بهداشت محیط و بهداشت روان) و دو گونه واحد بیمارستان اضطرابی (RDH & RH جهت ارائه خدمات فوری و بیمارستانی) بوده و تمامی استان ها به تناسب طرح آمایش سرزمین از آنها برخوردار می شوند. ضمن اینکه تمامی برنامه های فعالیت های مرتبط با آمادگی و پاسخ به سوانح به صورت لایه بندی و منطقه ای در کشور طراحی و عمل کرده و در حال حاضر محل اتکا و اطمینانی جهت ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در سطح ملی و بین المللی است.»

هلال احمر ایران در کمک به آوارگان رو هینگیامشارکت کرد

او افزود: «با توجه به ظرفیت موجود و اهداف جمعیت در عرصه بین المللی، برنامه پذیرش جمعیت هلال احمر به عنوان (ERU) بین المللی تدوین و پس از طی چندین مرحله ارزیابی، جمعیت هلال احمر ایران در سال ۲۰۱۷ مورد پذیرش فدراسیون بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر قرار گرفت که تنها جمعیت ملی حاضر مسلمان در جمع ۱۸ کشور که قبلا مورد پذیرش قرار گرفته اند بوده و بسیار ارزشمند است. در همین چارچوب نیز جمعیت در عملیات بین المللی کمک به آوارگان و هینگیاد رینگلادش مشارکت کرد.

این مقام مسئول در جمعیت هلال احمر اظهار کرد: «در معاونت بهداشت، درمان و توانبخشی مرکز مدیریت اطلاعات و هماهنگی عملیات (IMOCC) تمامی مراحل آمادگی و پاسخ به سوانح در حوزه بهداشت و درمان اضطرابی را هدایت، نظارت و ارزیابی کرده و تمامی مستندات مربوطه نیز در نرم افزاری تحت همین نام که قابلیت گزارش گیری های تفکیکی دارد، ثبت می شوند. ضمن اینکه ماهواره در طراحی عملیات به چند نکته اساسی شامل میزان مجروحین، آسیب زیر ساخت های بهداشتی و تعداد متأثرین توجه می کنیم.»

ایران در کمتر از ۲۴ ساعت در بیروت خدمات رسانی خود را آغاز کرد

مدیرکل بهداشت و درمان جمعیت هلال احمر با اشاره به خدمات رسانی در انفجار بیروت گفت: «پس از وقوع انفجار در بیروت بیمارستان RDH هلال احمر ایران در کمتر از ۲۴ ساعت آنجا ایجاد و خدمات رسانی خود را آغاز کرد. این یک عملکرد مناسب و منطبق بر استانداردهای جهانی است. ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در شرایط اضطرابی دارای جزئیات بسیار زیاد بوده که می بایست همه جنبه های آن با علم روز، توسعه و به روز شود.»



گفت وگو با «ملیحه حصارخانی» قهرمان پارا و زنه برداری کشور که پویشی خیر خواهانه راه اندازی کرده است

مدال قهرمانی؛ کلید آزادی زندانیان

که هر کدام قصه تلاش های او را در این سال ها روایت می کند اما قرار گرفتن شان در گوشه خانه او را راضی نمی کرد، بنابراین تصمیم گرفت این مدال ها را در مسیر آزادی زندانیان جرائم غیر عمد به حراج بگذارد: «اخلاق در کشور ما حرف اول را می زند و ورزشکاران الگوهای افراد جامعه هستند. هر ورزشکار برای کسب یک مدال تلاش بسیاری می کند خیلی از این مدال ها امروز در طاقچه خانه ها خاک می خورد در حالی که می تواند گره از زندگی انسان های زیادی باز کند. من تصمیم گرفتم پویشی راه بیندازم و طی آن با حراج گذاشتن این مدال ها، لیخن را میهمان صورت انسان هایی کنم که این روزها به خاطر ناتوانی در تأمین مبالغ بدهکاری خود، زندگی شان پشت میله های زندان می گذرد.»

ملیحه استارت این کار را در یک برنامه تلویزیونی آن هم در ماه مهریانی خدا می زند: «قرار بود در این برنامه تلویزیونی قصه زندگی من و همسر به عنوان زوجی که در آن یکی از طرفین فاقد معلولیت هستند و طرف دیگر دارای معلولیت ساخته شود اما این موضوع از طرف همسر تأیید نشد چون معتقد بود اتفاق خاصی در زندگی ما رقم نخورده و خوشبختی ما حاصل یک تفکر سالم است بنابراین تصمیم گرفتم این برنامه شروع هدف و آرزویی باشد که در سر داشتیم. در این برنامه مدال قهرمانی پارا و زنه برداری خود را بر دم و از اسپانسر ها و حامیان دعوت کردم با خرید آن به آزادی زندانیان کمک کنند. حاصل این کار جمع آوری مبلغ ۱۱۰ میلیون تومان توسط ستاد دیه کشور شد، این مبلغ را فقط یک بانو به نیت آزادی ۵ زندانی اهدا کرد.»

ترویج ورزش پهلوانی و قهرمانی

ملیحه حالا گرچه آن مدال را دیگر ندارد اما دلش آرام گرفته و انگیزه اش برای کسب مدال های بیشتر و گرگشایی های بزرگ تر از مشکلات هموعانش بیشتر شده است: «من باین کار قصد ترویج مهریانی، گذشت و همدلی در جامعه داشتیم چیزی که جامعه امروز ما شایسته آن احتیاج دارد. پیشینه ورزش در کشور ما نشان می دهد که اخلاق و منش پهلوانی بر همه چیز وجود یک ورزشکار غلبه دارد و ما باید این بعد را در میان جامعه و ورزشکار تقویت کنیم.» او علاوه بر این احساس مسئولیت اجتماعی در قبال هموعانش همیشه قدردان زحمات کسانی است که کمک کردند تا پله های موفقیت و ترقی را آسان تر طی کند و با اهدای یکی از مدال های قهرمانی که کسب کرده بود به پدر و مادرش از آنها به عنوان قهرمان زندگی اش تقدیر کرده است: «اگر حمایت های پدر، مادر، همسر، برادرها، خواهر و حتی پسر کوچک نبود امکان طی این مسیر برای من به راحتی مقدور نبود. اساتیدی چون آذر نیاززاده، حسن محمودآبادی، دکتر محمد پیورکبانی، دکتر برومند، دکتر سید عماد حسینی و استاد بهزاد هنرور فرزانه شوقی و مریم پیش نمازی. همچنین مدیر دوره دبستان لاله عباسی همه و همه به من آموختند چگونه توانایی هایم را باور کنم، روی پای خودم بایستم و در هر شرایط فکر هموعانم باشم.»

پویشی که ملیحه حصارخانی به راه انداخته می تواند همراهان زیادی داشته باشد از قهرمانان پارالمپیک گرفته تا قهرمانان المپیک، قهرمانان مسابقات جهانی و همچنین قهرمانان مسابقات کشوری کسانی که می توانند با حراج مدال های قهرمانی خود قهرمان زندگی آدم های زیادی شده و پایانی بر انتظار چشم های گریان شوند.

به جای درس خواندن، فعالیت های ورزشی را در برنامه خود جایگزین کرد: «از رشته شنا، آن هم به صورت تفریحی در ستانس های محدودی که در اختیار معلولان بود شروع کردم. بعد کم کم با رشته ویلچرانی آشنا شدم، ویلچرانی هم شامل دوامی شد هم رشته های میدانی، ۶۰ دوره در این رشته قهرمان کشور شدم در رشته پرتاب نیز هم مقام سوم را کسب کردم اما کم کم این رشته بر چیده شد. این مسأله باعث شد تا دوباره به فکر ادامه تحصیل بیفتم این تصمیم همزمان شد با ازدواجم اما با توجه به همراهی و پشتیبانی همسرم خللی در آن وارد نشد.»

بعد از اخذ دیپلم، مقطع کاردانی و کارشناسی را در رشته های تربیت بدنی و مدیریت فرهنگی و ورزش دانشگاه علمی - کاربردی رعد به پایان می رساند و برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد به دانشگاه شهید بهشتی می رود: «در حالی که مشغول تحصیل در رشته مدیریت ورزشی گرایش بازیابی ورزشی در دانشگاه شهید بهشتی بودم به تشویق دوستانم به صورت حرفه ای وارد رشته پارا و زنه برداری شدم، البته قبل از این به عنوان مربی بدنسازی معلولان در باشگاه پیام مشغول شده بودم دوره ای سخت به لحاظ عدم باور هموعانم، کسی قبول نمی کرد یک فرد معلول بتواند مربی خوبی باشد اما من مثل همیشه کوتاه نیامدم و با تمرینات و برنامه های خوبی که به ورزشکاران می دادم ثابت کردم ما توانایی های زیادی داریم و این توانایی ها باید اول از سمت خودمان باور شود. کم کم به تعداد شاگردانی که در کلاس من ثبت نام می کردند افزوده شد و این شروعی شد برای تشکیل اولین تیم پارا و زنه برداری تهران. با تأمین اسپانسر و تمرینات سخت موفق شدیم در مسابقات استانی عنوان سوم تیمی را کسب کنیم. خودم نیز عنوان دوم این رقابت ها را کسب کردم. سال دوم فعالیت مادر این رشته همراه شد با شیوع بیماری کرونا، گرچه تمرینات تیم و خودم تحت تأثیر این شرایط قرار گرفت اما موفق شدم عنوان دوم رقابت ها را از آن خودم کنم.»

حراج مدال ها به نفع زندانیان

ملیحه حالا مجموعه ای از مدال های افتخار آفرین مسابقات ورزشی استانی و کشوری را در گنج خانه اش دارد. مدال هایی



فاطمه عسگری نیا «ملیحه حصارخانی» یکی از قهرمانان ورزشی تهران است که با حراج گذاشتن مدال قهرمانی پارا و زنه برداری خود پویش جدیدی را در کشور به راه انداخته است. او بعد از اینکه یکی از مدال های خود را در یک حراجی به ارزش ۱۱۰ میلیون تومان فروخت، تعدادی از زندانیان جرائم غیر عمد استان اصفهان را راهی خانه کرد. حالا ملیحه از همه دوستان ورزشکار و قهرمان خود دعوت کرده تا با حراج گذاشتن مدال های قهرمانی آویزان از سینه دیوار خانه ها به پویش او پیوسته تا بستر آزادی زندانیان بیشتری در کشور رقم بخورد، چون معتقد است باین کار هر کدام از قهرمانان ورزشی می توانند قهرمان زندگی این افراد شوند.

...

۸ ماه بیشتر نداشت که به دلیل تب شدید از ناحیه پای راست دچار فلج اطفال شد. همین مسأله باعث شد تا قصه زندگی ملیحه بالا و پایین های خاص خودش را داشته باشند. بچه اول خانواده است بعد از این اتفاق پدر و مادرش همه دار و ندارشان را صرف بهبود وضع او کردند، اما کار از کار گذشته بود. هر چند جراحی ها به بهبود وضع ملیحه کمک کردند اما عصار و کفش های بریس همراه کودکانه های او شد: «کلاس اول بودم، بریس سنگین بود، به خاطر همین مادرم اغلب مرا بغل می کرد و به مدرسه می برد تا اینکه یک روز «لاله عباسی» مدیر مدرسه جلوی مادرم ایستاد و گفت اجازه بده روی پا های خودت بایستد تا کی قرار است شما همراه او باشید؟ مادرم گرچه دلش طاقت نمی آورد اما انگار این حرف مثل تلنگری او را تکان داد. عصر با اینکه قول داده بود سرگرم بیاورم و من برای اولین بار تمام مسیر مدرسه تا خانه را با عصبانیت تمام و اشک چشم پیاده طی کردم.»

از نمره ورزش معاف بودم

یکی از بدترین و تلخ ترین خاطره های کودکی اش به زنگ های ورزش و نمره این درس در کارنامه اش بر می گردد: «به دلیل این معلولیت نه اجازه ورزش کردن داشتیم، نه نمره ورزش. جای نمره این درس، کلمه معاف قرار می گرفت و مایه عذاب من بود. استدلال معلمان و آموزش و پرورش از معافیت، حفاظت از من در برابر آسیب های احتمالی بود، اما این دلیل و منطق دردی از من دوانمی کرد چرا که تمام زنگ های ورزش دوره مدرسه را باید با حسرت ورزش کردن دیگران سپری می کردم و این یکی از تلخ ترین خاطرات من هست.»

درست است سهمی از زنگ و ورزش مدرسه نداشت اما عاشق ورزش بود: «یک روز از معلم ورزشم خواستم یک تست ورزشی از من بگیرد تا توانایی هایم را ببیند و خودم را به او ثابت کنم، ابتدا قبول نمی کرد اما به شرط اینکه انتظار نداشته باشم نمره ای در کارنامه دریافت کنم، پذیرفت. من آن روز تست بارفیکس دادم و نتیجه کارم برای معلم باور کردنی نبود. یکی از همکلاسی هایم به نام «آزاده مرادی» هم که حکم همراه همیشگی مرا داشت و این دوستی همچنان ادامه دارد از مشوق های اصلی من در ورزش بود و با برگزاری مسابقه های دونفره میچ اندازی همیشه به من یادآوری می کرد که دست های قوی دارم.»

فصل جدید زندگی

فصل تازه زندگی او وقتی جوانه زد که بنا به دلایلی سال دوم دبیرستان تصمیم گرفت بی خیال درس و مدرسه شود، اما